

بسم الله الرحمن الرحيم قطره‌ی ۷۸ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - بحث پنجم ربا، دزدی پنهان در چاپ پول و رواج تورم، و افزایش غیر عادلانه‌ی درآمد و هزینه‌ها، آیا نقدینگی تورم آور است

اینجا یک سؤال مطرح است و آن اینکه فردی به شخصی یک میلیون تومان قرض داده است، بعد از یک سال می‌خواهد پول را پس بگیرد اگر همان یک میلیون را پس بگیرد تورم در جامعه ارزش پول او را پایین آورده، و اگر اضافه بگیرد ربا است، یعنی با این وضعیت هیچ کس رغبت به قرض‌الحسنه پیدا نمی‌کند چرا که اگر به دیگری قرض دهد حتماً ضرر خواهد نمود، پس در این زمان چه باید کرد تا هم افراد خیر تشویق به قرض دادن شوند و هم ضرر نکنند؟ یکی از مشکلات این زمان مبتلا شدن مردم به امر موهومی است که پول نام دارد، برای روشن شدن مطلب باید دقت کنیم همه‌ی اجناسی که در دست ما است ارزشش به خودش است، نه چیز دیگری مثلاً بنده یک کیلو گندم دارم و یا یک کیلو طلا دارم و ... این‌ها خودشان ارزش دارند، حال سؤال می‌کنیم این کاغذ رنگی که در دست من است و به کمک آن همه چیز را می‌خرم، ارزش این کاغذ رنگی که پول نام دارد به چیست؟ مطمئناً یک تراول ۱۰۰ هزار تومانی خودش ارزشی ندارد، یک کاغذ است که رنگ شده ولی با این کاغذ می‌توانم کالاهای متفاوتی را که ارزش دارند را بخرم، چرا این کاغذ رنگی ارزشش بیشتر از یک کاغذ معمولی است، بله در زمان گذشته مردم مبتلا به این مطلب نبودند معاملات مبادله‌ی جنس با جنس بود، و مردم مبتلا به موهومی به نام پول نبودند، در بین تمامی ممالک سکه‌ی طلا و نقره رایج بود، در آن زمان خود طلا و سکه ارزش داشت، به خلاف این زمان، نظام سرمایه‌داری در قدم اول برای چپاول مستضعفین کاغذ رنگی را جایگزین طلا و نقره که ارزش واقعی داشتند نمود، یعنی طلا را بلوکه نمود و بجای آن به مردم کاغذ رنگی داد و به هر کاغذ رنگی ارزش معینی داد، در قدم بعد بدون این اینکه مقدار طلا و نقره که در حقیقت پشتوانه‌ی آن کاغذها بود را افزایش دهد اقدام به چاپ کاغذها نمود، مردم بی‌خبر هم که از این سیاست بی‌خبر بودند کاغذها را می‌گرفتند و فکر می‌کردند که جنسی با ارزش را دریافت می‌کنند درحالی‌که نمی‌دانستند که فریب‌خورده‌اند، این کاغذ رنگی که پول نام دارد جنسی بی‌ارزش است، و دولت‌ها بدون اینکه مقدار ذخیره‌ی طلا را افزایش دهند اقدام به چاپ پول نموده‌اند، این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که دولت‌ها برای افزایش ثروت خود از طریق آسان و دزدی پنهان دائماً اقدام به چاپ پول بدون افزایش پشتوانه‌ی آن که طلا و نقره است می‌کنند و در نهایت کار بجایی برسد که همه جا پول باشد ولی هیچ ارزشی هم نداشته باشد، یکی از دلایل گرانی‌ها و افزایش تورم در جامعه همین نکته است یعنی چاپ پول بدون افزایش پشتوانه‌ی آن که متأسفانه دولت‌های غیر اسلامی اقدام به آن می‌کنند، سؤال می‌کنم : در اول انقلاب در جامعه‌ی ایران چقدر طلا و نقره ذخیره داشته‌ایم و چند ریال پول چاپ‌شده در میان مردم بوده است؟ هم اکنون چقدر طلا و نقره‌ی ذخیره شده داریم و چند میلیون بلکه میلیارد پول چاپ شده است؟ اگر ذخیره‌ی طلا و نقره را افزایش نداده‌ایم حقیقتاً نداریم پول چاپ کنیم، پول چاپ کردن در جایی که پشتوانه ذخیره نشده است همانند پول چاپ کردن یک نفر در خانه‌ی خودش است که همه میدانیم کلاهبرداری ۱۰۰٪ است، ما بدون اینکه جنس باارزشی را تولید و ذخیره کرده باشیم آنگاه برای آن جنس سند صادر کنیم که پول نام دارد، پول تقلبی چاپ کرده‌ایم چک بی محل صادر کرده‌ایم، در اینجا دولت‌ها به شیء بی‌ارزش که پول نام دارد ارزش دادند، و مردم هم فکر کردند آن پول ارزش دارد، به عقیده‌ی بنده چاپ پول بدون افزایش متناسب پشتوانه‌ی طلا و نقره یک دزدی پنهان است، اگر قرار باشد ما هر کجا که در مشکل اقتصادی گیر کردیم پول بدون پشتوانه چاپ کنیم خوب بسم‌الله دولت برای اینکه مشکل مالی تمامی ایرانیان را در یک روز حل کند برای هر ایرانی یک میلیارد تومان پول چاپ کند و در یک روز همه را میلیارد کرد، بدانیم: پولی که بی‌ارزش بود و تنها ارزش یک نقاشی بر روی یک کاغذ بود را چاپ کردند و به مردم فروختند و مردم کالاهای باارزش خود را با آن کاغذها عوض نمودند، امروز آمریکای جنایت‌کار بزرگ‌ترین چاپخانه‌ی چاپ پول بدون پشتوانه را در دنیا دارد و مردم دنیا اجناس باارزش خود را با کاغذ رنگی که تنها ارزش آتش زدن دارد را معاوضه می‌کنند، و بقیه‌ی حکومت‌ها هم مبتلا به همین نحو از عملکرد هستند، چاپ پول بدون افزایش پشتوانه مساوی با تورم و یک نوع دزدی پنهان است در این جا باید تمامی دلسوزان دائماً هشیار باشند که چه مقدار پول چاپ می‌شود، اگر مقدار ذخیره‌ی طلا و نقره افزایش پیدا نکرده ولی پول چاپ شده است باید بدانیم یک دزدی و کلاهبرداری در حال شکل‌گیری است، پس اینجا معلوم شد که پول به خودی خود ارزشی ندارد، پول یک سند است، اگر ما به موضوع این‌گونه نگاه کنیم شاید فقها فتوا را تغییر دهند که ماهیت پول در این زمان با زمان گذشته تفاوت کرده و تنها در اسم باهم شباهت دارد، لذا در این زمان اگر کسی ۱ میلیون تومان قرض داد در حقیقت مثلاً سند ۲۰ گرم طلا را گرفته و هنگام بازپس‌گیری باید محاسبه شود که ۲۰ گرم طلا در زمان بازپس‌گیری چقدر است و اگر شده باشد ۱ میلیون و دویست هزار توان در اینجا این دویست هزار حرام نمی‌باشد و ربا نیست بلکه الآن ۱ میلیون و دویست هزار تومان عین همان ۱ میلیون تومان است، از اینجا نیز این مطلب معلوم می‌شود، که بانک‌ها نیز به مردم سودی نمی‌دهند تماماً فریب است، بانک از مردم پول می‌گیرد تا سود دهد درحالی‌که طبق نرخ تورم در حقیقت اصلاً به مردم سودی نداده، بانک زرنگ است پول را با حیل‌های سود از مردم می‌گیرد، و مثل ۲۰٪ سود سالیانه به مردم می‌دهد، از طرفی با همان پول مثلاً خانه‌ی مردم را می‌خرد، قیمت آن را در یک سال ۴۰٪ افزایش می‌دهد، همان خانه را به مردم می‌فروشد، در اینجا در حقیقت بانک بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد از مردم پول گرفت و تجارت کرد و سود حاصلش شد، در اینجا مردم ۲۰٪ ضرر کرده‌اند درحالی‌که فکر می‌کنند ۲۰٪ سود کرده‌اند، تاکید می‌کنم باید بدانیم چاپ پول بدون افزایش پشتوانه آن یک نوع دزدی پنهان است یک نوع کلاهبرداری است یک نوع چک بی‌محلی است که به آن اعتبار داده‌ایم، در ابتدای انقلاب چند تومان پول چاپ‌شده داشته‌ایم و هم اکنون چند تومان؟ در ابتدای انقلاب چقدر ذخیره‌ی طلا و نقره داشته‌ایم و هم اکنون چقدر؟ هر چقدر این دو باهم تناسب نداشته باشد همان مقدار دزدی واقع شده است، والا بی‌جهت نیست ثروت‌های بادآورده‌ی کذایی، این‌ها ثروت‌های چاپ آورده است که صنعت چاپ که قرار بود علم چاپ کند این بار طلا و نقره چاپ کرده، صنعت چاپ امروز کیمیای شیطانی قرن ۲۰ است که کاغذ را تبدیل به طلا و نقره می‌کند، لذا سر اینکه دلار در سال ۵۷ در بازار آزاد ۱۰ تومان بوده و هم اکنون ۴۲۵۰ تومان است همین می‌باشد یعنی ۴۲۵ برابر گران شده است، قیمت سکه طرح قدیم در سال پنجاه و هفت ۴۲۰ تومان بوده ولی الآن یک میلیون و چهار صد هزار تومان یعنی سه هزار و چهار صد برابر طلا گران شده است، سؤال این است آیا طلا گران شده است و یا اینکه پول بدون پشتوانه چاپ شده است؟ اگر حکومت بجای چاپ پول سکه ضرب می‌کرد هیچ‌گاه به این بلاهای اقتصادی دچار نمی‌شدیم، دقیقاً مانند حکومت‌های قدیم در آنجا هر چقدر طلای جدید تولید شده بود همان مقدار سکه هم ضرب می‌شد، و اگر نمی‌توانستند طلا و نقره تولید کنند خوب سکه طلا و نقره و هم ضرب نمی‌کردند، لذاست که می‌بینیم در قدیم خیلی‌ها به دنبال علم کیمیا بودند تا مس را تبدیل به طلا کنند و یا سکه مسی را بجای سکه طلا قالب

می‌کردند و الآن خیلی‌ها به دنبال دستگاه چاپ هستند تا پول چاپ کنند، متأسفانه امروز دولت‌های بسیاری پول بدون پشتوانه چاپ می‌کنند که از قالب کردن سکه‌ی مسی بجای سکه طلا زشت تر است چرا که باز هم مس کمی ارزش داشت ولی کاغذ رنگی هیچ ارزشی ندارد، اگر می‌خواهیم از این وضعیت نجات یابیم باید جلوی چاپ پول جدید را بگیریم مگر اینکه همان مقدار پول فرسوده خارج شود و یا اینکه به اندازه ارزش پولی که چاپ می‌شود طلا ذخیره شود و اگر مقداری از طلای ذخیره‌شده را از دست دادیم باید همان مقدار پول را اجتماع امحا نمود و از بین برد، اگر می‌خواهید مطلب کاملاً آشکار شود بانک مرکزی اعلام کند از سال ۵۷ تا کنون چقدر پول چاپ شد و چقدر در قبال آن طلا تولید و ذخیره شده است؟ آیا اعلام می‌کنند؟ ولی بدانید ما از راه‌های دیگری می‌توانیم بفهمیم که طلای متناسب تولید و ذخیره نشد ولی خدا برکت دهد به دستگاه‌های چاپ که شبانه‌روزی پول چاپ نمودند، از اینجا به یک مطلب دیگر می‌رسیم آیا افزایش نقدینگی تورم آور است؟ یعنی آیا هر چه پول در دست مردم بیشتر باشد تورم بیشتر شده و قیمت‌ها افزایش می‌یابد؟ جوابی که کارشناسان می‌دهند مثبت است، افزایش نقدینگی مساوی با افزایش تورم است لذا می‌گویند با روش‌های متعدد از جمله تشویق مردم به سرمایه‌گذاری باید پول را از دست مردم خارج کرد، اما بنده در این زمانه‌ی فریب باز هم شک دارم، نه هیچ‌گاه نقدینگی باعث افزایش تورم نیست، چاپ پول بدون پشتوانه باعث تورم است، مردم هر چقدر پول دارند با آن دادوستد می‌کنند، چرا نقدینگی تورم بیاورد؟ سیاست سرمایه‌داری برای اینکه باز هم پول بیشتری به جیب بزنند باید همین پول بی‌ارزشی را که به مردم داده و برای آن ارزش قرار داده را از دست مردم خارج کند تا اینکه منحصراً اقتصاد را در دست داشته باشد، و نبض بازار را کنترل کند، و دوباره پول‌های بی‌ارزش را طریق دیگری به مردم بفروشند، و الا سؤال می‌کنیم اگر مردم پول در دست نداشته باشند چگونه می‌توانند دادوستد و تجارت کنند، در اقتصاد سالم نقدینگی نشانه‌ی حیات اقتصاد است، اگر نقدینگی خوب نیست چرا در بازارهای جهانی هر حکومتی تلاش می‌کند مقدار نقدینگی خود را افزایش دهد؟ اگر نقدینگی برای جامعه خوب نیست برای جامعه‌ی جهانی هم خوب نیست اگر خوب است برای ملت هم خوب است و اگر بد است برای شما هم بد است، اما باز می‌گویم در اقتصاد سالم نه در اقتصادی که دستگاه‌های چاپ به کاغذ ارزش طلا و نقره می‌دهد، باید بدانیم در اقتصاد ناسالم هر که پول دارد ضرر کرده و می‌کند و هر کس مال دارد سود می‌کند، لذا است که می‌بینیم ثروتمندان جامعه هیچ‌گاه پول نگاه نمی‌دارند مگر به اندازه‌ی ضرورت، آنان دائماً پول را به اجناس تبدیل می‌کنند، پول را به زمین و طلا و نقره تبدیل می‌کنند، و این فریب‌خوردگان هستند که پول در دست دارند و پول را در بانک می‌گذارند تا سود دریافت کنند، ثروتمند از آنجایی ثروتمند شد که این حقیقت را دانست که پول ارزش ندارد، پول را باید به سرعت از خود دور کرد و تبدیل به جنس نمود، چرا که دستگاه‌های چاپ شبانه‌روز مشغول چاپ هستند و دائماً کیمیای شیطانی می‌کنند و کاغذ را تبدیل به طلا می‌نمایند، از اینجا یک شبهه‌ی دیگر جواب داده می‌شود که می‌گویند: مقدار درآمدها با مقدار تورم برابر بوده و اگر قبلاً اجناس ارزان بوده درآمد هم بوده و الآن درآمد زیاد شده و متناسب اجناس هم گران شده، تا سال‌ها نیز بنده هم این‌گونه فکر می‌کردم، جواب به این شبهه از شبهات گذشته سخت‌تر است، چرا که در ظاهر همه چیز درست است اما وجدانا چیزی که مشاهده می‌شود غیر از آن است، سؤال اول برای پاسخ به این شبهه این است که آیا درآمد همه‌ی مردم به تناسب زیاد شده است؟ آیا مقدار درآمد یک کارگر با یک رئیس به یک تناسب افزایش داشته است؟ چگونه است کارگر اول انقلاب هنوز کارگر است ولی افراد دیگر هم اکنون ثروت‌های زیاد و درآمدهای چند ده برابری دارند؟ درحالی‌که چه بسا کارگر بیشتر هم زحمت کشیده است، چه شد که آن‌ها دائماً ثروتمندتر می‌شوند و ما دائماً بدهکارتر، در جامعه‌ی امروز ایران برای فرد سالم و عادی که دزدی نکند و سراغ کار خلاف نرود آیا امیدی هست که حتی در آخر عمر خود صاحب یک آپارتمان شود؟ قیمت یک آپارتمان ۱۰۰ میلیون تومان، طبق آمار رسمی هزینه‌ی خوراک یک خانواده سه نفره دو میلیون تومان است این آمار غیر از مسکن و بهداشت و تفریح است و بر مبنای قیمت‌های سال ۹۵ به دست آمده است، در حالی که حداقل دستمزد یک کارگر ۹۳۰ هزار تومان است این عدد بر مبنای حداقل دستمزد که روزانه سی و یک هزار تومان است به دست آمده و فرض این است که هر ۳۰ روز را کار کند، با وجود اینکه همین کار با همین حقوق که آرزوی خیلی‌ها است هم پیدا نمی‌شود، سؤال می‌کنیم اگر فقط هزینه‌ی خوراک یک خانواده ۳ نفره را حساب کنیم می‌شود دو میلیون تومان، اگر حداقل یک میلیون تومان هزینه‌ی مسکن و درمان و بهداشت هم اضافه کنیم می‌شود می‌شود سه میلیون تومان در ماه، امروز در جامعه‌ی ما اگر مرد خانواده شغلی پیدا کند که ۲ میلیون درآمد داشته باشد او خود را خوشبخت می‌داند، همین شغل زیر خط فقر هم برای مردم نیست، این فرد چگونه صاحب‌خانه شود؟ چگونه تفریح رود؟ اگر بیمار شد چگونه مداوا شود؟ آیا میتواند چیزی پس انداز کند؟ پس نگوییم چرا طلاق زیاد شده؟ چرا فحشا زیاد شده؟ چرا جرم و قتل و قاچاق زیاد شده؟ چرا اغتشاش می‌شود؟ ما برای نان انقلاب نگرديم ولی قرار هم نیست عده‌ای از فقرا برای خود پل بسازند، حقوق‌های نجومی بعضی به درخشندگی هزاران خورشید و حقوق‌های فقرا شمع‌های خاموش؛ کار نیست، هزینه بالا، کسی هم جواب نمی‌دهد از همه بدتر گویی هم نیست، ما اگر یک ساعت از عمرمان را تلاش نکنیم فردا از امروز گرفتارتر هستیم پس بهترین کاری که می‌توان انجام داد این است که: ما آرزوی گورکنیم و بر گورستان رویم و بگوییم: ای مردگان ای کاش ما هم پیش شما بودیم، نگوییم چرا خودکشی زیاد شده؟ سؤال این است در این وضعیت اقتصادی این نرخ کم خودکشی واقعاً معجزه است؛ بگوییم نشانه‌ی آشوب آشکار شده سریعاً باید از اساس کار درست شود، اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند و یارانه‌ی تعداد زیادی از ملت قطع گردد، فتنه‌ای جدید پدید می‌آید شعار به حق مردم لب‌درهای غیر حق پیدا می‌کند، آنگاه طراحان این فتنه‌ی پیچیده که خود سمت و سو می‌دهند که مردم چه بگویند همان مردم را سرکوب می‌نمایند، در اینجا دیگر لازم نیست آمریکا و اسرائیل به ما حمله کند قبل از هجوم آنان ایرانی با ایرانی دشمن می‌شود و اتحاد ملی خدشه‌دار می‌شود، تجزیه‌ی ایران به واسطه‌ی خود ایرانیان اتفاق می‌افتد، حداقل کاری که در این وضعیت می‌توان انجام داد اینکه سریعاً آب را به همه جا برسانیم، بدانیم آب با خود معجزه می‌آورد، و همه را متحیر می‌کند، حقیقتاً آب بود که نوح را کمک کرد و موسی و بنی‌اسرائیل را نجات داد، جواب نوحه‌های طولانی ملت ایران و سرگردانی ما و نجات معجزه ساي ملت ما آب است، آب ما را کمک می‌کند، آب در طول چند ماه برکت و ثروت حلال زیاد برای ما به همراه دارد، آب است که ما را در این لحظات حساس بر تمامی بشر پیروز می‌کند، آب است که باعث فضیلت ما بر شرق و غرب می‌شود، و آب سه معنی دارد، ظاهرش خوردنی، باطنش امام معصوم ع و باطن‌ترش توحید است، اگر ظاهر را آوریم آن دو نیز به جامعه هدیه شوند دقیقاً مانند مصر، به نام آب، سلام بر آب، از آب تا آب، نفرین بر خشکی و خشک‌سالی ولی خشک‌سالی لشکر خداست، تازیانه‌ای است که ما را مجبور می‌کند سراغ آب رویم، پس بهتر است سریعاً با خوشی سراغ آب برویم، آب مشاق ماست.